

فریادم من فریادم من فریادم

من در (باردم)

یعنی ???

من در سر حد م

کدام سرحد ???

سرحد بین سیاه و سفید

بین سرخ و سفید

بین سیر و گرسنه

استاده ام بین آفتاب و ظلمت

میبینم دارا و نادار را

میبینم کودک بیمار را

میبینم گرگان گرسنه را

میبینم رویه بیشه را

میبینم اژدهایی هفت سر را

میبینم هر که پنجه و چنگال دارد

میدرد

میبینم ببر کاغذی که میگرد

میبینم افعی سیاه را

میبینم سبز قبا پوش را

میبینم رویه خاموش را

میبینم بقلمون صفتان را

که با هر لرزشی، میگیرند رنگی دیگری

میبینم میدرنند مرد فقیر را

میدرنند جستجوگر اسیر را

طفل گرسنه را

جوان نا پخته را

میبینم چگونه آسمان را میشگافند

آبادی ها همه ویرانه میشوند

اطفال در خون می غلظند

و خفاشان سیه کار با زمزمه هایی شوم شان در پروازند

می بینم سگان زرد را که برادران دو گانه شغالانند

آری میبینم سگی که در مسند شغال مینیشیند

میبینم میبینم میبینم

و فریاد میثوم

فریاد میثوم

فریاد میثوم

آری-----من جلادم ، جلادم ، جلادم

استثمارم ، استعمارم ، ارتجاعم

هیولایی بی شاخ و دم

صهیونیستم

روبایی خوش خط و خالم

مذهبم

سازمان ملل

هاه هاه هاه

لطیفه جالیبست

من دست بسته حاضر بخدمتم آقا

قربان شما

اطاعت میشود جناب دراکولا

و من ---- ???

من جسمم ، زخمی ام ، شهیدم
خونم که زمین را گلگون کرده ام
دست وپایم ، روده هایی با راکت پریده ام
من خانه هایی گلی ام ، مخروبه ام
که غریب با دستان پر آبله
با اشکم گرسنه
آباد کرده بود

من افغانی ام ، در دهات بی آب و برق، در شیندن هرات
عراقی ام در کرکوک ، در بغداد، در بصره
من فلسطینی ام در سرزمین بخاک و خون غلطیده ، در غزه
من هزاران هزار شهیدم، بی نام و نشان
در قبر هایی دسته جمعی
من بی پناهم ، زیر رگبار آتشپاره ها
من طفلم ، مادرم ، جوانم ، پیرم ، کودک خفته در گهواره ام
من ???

من امیدم ، آرزویم ، خواهمش ، تمنایم
امید آزادی ، آرزویی برابری
خواهمش عدالتم ، در تمنایی حقیقتم
آری ---

من عقابم ، مرغ بلند پروازم ، شاهینم ، آماده پیکارم
هرگز تسلیم نمیشوم
زانو بر زمین نمی سایم
گردن خم نمیکنم
من سرو استاده ام و استاده میمیرم
با مشت پر گره
با فریاد اعتراض بر دهن
من انقلابم آری انقلابم انقلاب
و فقط فریاد میشوم
مشتی بدهن استبداد میشوم!

09، جنوری، 2009
(سوماکاوپانی)